

## بررسی مسئله جنگ و صلح در یکی از سرچشمه‌های کهن اخلاقی هندی

### ضمیمه غفاراوا<sup>♦</sup>

از دوران دور تاریخی مسئله جنگ و صلح توجه متفکران و فیلسوفان و حکیمان و دانشوران صاحب‌اندیشه را به خود جلب نموده بود. حتی از زمانی که کتاب و نوشتار هم وجود نداشت، انسانیت راجع به پیشگیری از برخوردها، صلح و وحدت و همدلی و دوستی اندیشه می‌نمود. پیشقدمان اهل علم و فضل پیوسته بهر از میان برداشتن پراکندگی سیاسی و اجتماعی در جهان مبارزه می‌بردند و با آفریدن آثار گرانبمایه‌ای، که جوهرش تبلیغ اندیشه نیکی و نکوکاری و دوستی و برادری است، کوشش به خرج می‌دادند. محصول تلاش‌های انسانیت برای استقرار صلح و آمانی در سراسر جهان و پایداری همدلی و همدگرفهمی بین اقوام و ملل گوناگون نقش مؤثر گذاشته، راه و وسیله‌های ریشه‌کن کردن ظلم و تعدی و بدبینی و بی‌عدالتی را پیشنهاد نموده است.

سرزمین هند برحق افتخار به آن می‌کند، که به گنجینه تمدن جهانی شاهکارهای برجسته ادبی را اهداء نموده است، که سرشار پند و اندرز بوده، آدمیت را در نهاد هر انسان تربیت می‌کنند و برادری و برابری خلق و ملت‌های گوناگون را تبلیغ می‌نمایند.

---

♦ متخصص زبان‌شناسی، استاد و رئیس پژوهشگاه علوم جامعه‌شناسی، دانشگاه دولتی ب. غفوراف، خجند، تاجیکستان.

یکی از مهم‌ترین اثرهای فلسفی جهان «بهگود گیتا» (نغمه خداوندی یا سرود الهی) محسوب می‌شود، که در آن پیش از همه روح تصوف و فلسفه قدیم هندوستان مجسم است. این اثر بی‌شک مقدس‌ترین دستور اخلاق و حکمت برای هندوان به شمار می‌آید. کتاب مذکور با توجه به فراگیری مضمون و مندرجه غنی خویش از نسل به نسل به میراث گذشته، در میان کتب کلاسیک هند مقام عالی دارد و از جمله مقبول‌ترین کتاب‌های مذهبی مردم هند می‌باشد، که با تجسم روشن و برجسته مسئله‌های اخلاقی جنبه جهانی و جاودانی پیدا کرده است.

اخلاق و حکمت در «بهگود گیتا» به حدی بازتاب یافته و در آن فضایل حسنه انسانی وصف شده، که ارزش کتاب را همچون گنجینه خرد در تشکل انسان و رشد معنوی آن بی‌همتا گردانیده و به عنوان یکی از سرچشمه‌های کهن علم اخلاق جهانی معرفی نموده است. این مقام و منزلت معنوی اثر را اکثر دانشمندان و محققان فلسفه و اخلاق قدیمی هندی اعتراف نموده‌اند. از جمله، سید علی محمد نقوی محبوب‌ترین کتاب مذهبی هند بودن «بهگوت گیتا»-را به طور ذیل تأکید نموده است:

«اگر کسی پرسد، که «انجیل» هندوها کدام است، باید گفت: «گیتا» (بهگود گیتا-ض.غ.). «ریگویدا» و «سامویدا» مقدس‌ترین متن دینی نزد برهمنان و روحانیان است. «اپنیشد» مهم‌ترین متن نزد حکیمان و فیلسوفان است، اما برای اکثریت مردم هند مهم‌ترین کتاب مقدس «گیتا» است. هرچند ویده‌ها کتاب آسمانی محسوب می‌شوند، اما اگر ملاک نفوذ و تأثیر همگانی باشد، بدون تردید «گیتا» کتاب مقدس اصلی هندوان است»<sup>۱</sup>.

مرور به مندرجه و محتوای «بهگود گیتا» معلوم می‌نماید، که آن همچون کتاب علی‌حده‌ای دانسته نمی‌شود، زیرا کتاب مذکور بخشی از بزرگ‌ترین حماسه ملی مردم هند - رزمنامه «مهابهارتا» به شمار می‌رود و فصل‌های ۳۵-۴۲ دفتر ششم آن را تشکیل داده، و از ۱۸ گفتار عبارت است. در مجموع «بهگود گیتا» ۶۵۰ بیت را فرامی‌گیرد. از این‌رو، اگرچندی «بهگود گیتا» قسمتی از حماسه «مهابهارتا» دانسته می‌شود، بنابر

۱. محمد نقوی، سیدعلی، سیری در تاریخ اندیشه دینی هند، ص ۴۳۴.

اهمیت برجسته اخلاقی و معنوی داشتنش همچون کتاب مستقل شهرت به دست آورده است. وابسته به همین منزلت بزرگ خویش این اثر در بسیار موردها چون کتاب علی حده یادآوری شده، بیرون از محتوا و مندرجه کتاب «مهابهارتا» هم استقلال معنوی و ساختاری کسب کرده است.

«بهگود گیتا» به زبان سنسکریت نوشته شده، مندرجه آن اساساً گفتگوی فلسفی بین کریشنا و دوستش - آرجون را در میدان جنگ کوروکشیترا فرا می‌گیرد. به تعبیر دیگر، این کتاب به صورت مکالمه‌ای ایجاد شده است، که در محتوا و مندرجه صحبت دو قهرمان مرکزی مهم‌ترین مسائل اخلاقی و فلسفی در آن بررسی شده‌اند. همزمان، ذکر نمودن بمورد است، که اگرچند این اثر تصویر معرکه جنگ دو سلسله یک خاندان - پندوها و کروها را دربر می‌گیرد، اما در جوهر آن اندیشه‌های انسان‌دوستی و روحیه حکمت به قلّه عالی رسیده‌اند. کتاب مذکور واقعاً معرف بزرگی است از فلسفه هند، که مردم را به خیر و نیکویی دعوت می‌کند و زشتی و رذیلی را مذمت می‌نماید.

لازم به ذکر است، که در سراسر این منظومه مسئله جنگ و صلح نقش محوری دارد. در گفتار اوّل «بهگود گیتا»، که «ویشد یاگ: ترس و ناامیدی» عنوان دارد، وقتی که سرور خاندان پندوها - آرجون با لشکر کروان روبه‌رو شده، به جانب هر دو لشکر نظر می‌افکند، هر دو طرف را پُر از خویشاوندان و پیوندان می‌بیند. سپاهیان، شهسواران و پهلوانانی، که دور یادهنه گرد خود فراهم آورده بود، همه از جمله خویشان و دوستان آرجونه بودند. از دیدن خویش و تبار و یاران و دوستان در دو جانب میدان جنگ در پیکار و خونریزی با همدیگر دلش از اندوه لبریز می‌شود و وجودش را حس شرمساری فرا می‌گیرد.

آرجون به کریشنا مراجعت نموده، احساسات خویش را از رسیدن به چنین حالت به طور ذیل اظهار می‌کند:

«ای کریشنا، از دیدن خویشان و دوستان در مقام جنگ اعضای من سست شده

می‌آید و تن من می‌لرزد و دهن خشک می‌گردد و مو بر تن می‌خیزد»<sup>۱</sup>. در زمینهٔ چنین برخورد به مردم آرجون بر سر ترخم آمده، از اندیشهٔ جنگ با خویشاوندان و خونریزی دودمان خود اندوه‌ناک شدنش را بدین منوال بیان کرده، خصلت اصلی خرابی‌آوری جنگ را تأکید می‌نماید: «بدترین سرانجام اینچنین جنگ و جدال آن است، که مراسم مذهبی از میان می‌رود و کسی باقی نمی‌ماند، که راه و رسم نذر و نیاز بزرگان را برپا دارد و من از نیاکان خود شنیده‌ام، که این گروه به سزای اینچنین کارها به دوزخ خواهند رفت»<sup>۲</sup>. از محتوای این سخنان آرجونه چنین برمی‌آید، که او جنگ را قاطعانه محکوم نموده، کوشش به خرج می‌دهد، که سرزدن آن را با هر راه و واسطه پیشگیری نماید، برای راه‌اندادن به خونریزی تمام راه و وسیله‌های پیش‌گیرکننده را استفاده کند. برای وی صلح و آشتی از تاج و تخت شاهی را به دست آوردن اولی‌تر و مهم‌تر است. از این‌جاست، که با اشارت به این معنی تأکید می‌دارد:

«ای کریشنا، ظفر و ملک و راحت مرا نمی‌باید، چه جماعتی، که از ممر ایشان فراغت و زندگانی می‌خواهم. آن جماعت قطع نظر از ملک و جان کرده، از برای جنگ در این معرکه حاضرند و ایشان استادان و پدران و پسران و پدرکلان و خسران و نبیرگان و برادران و دایی‌یان و خویشان هستند. ای کریشنا! هرچند این مردم قصد کُشتن من کنند، من قصد ایشان نمی‌کنم، بر تقدیری، که از کُشتن ایشان خسروی هرسه ملک به من میسر شود، پادشاهی روی زمین چه چیز است!»<sup>۳</sup>.

آرجون به عنوان یکی از شخصیت‌های برجستهٔ صلح‌خواه و صلح‌پرور آماده است، که برای تأمین سلامتی و صحت پیروان، طنطنهٔ آسایشگی از خونریزی دست بکشد. او جنگ برادرکُش را بی‌سود و زیان‌آور دانسته، مخالفانش را نیز با شرح و تفسیر مضرت

۱. بهگود گیتا ترجمهٔ فارسی، تألیف محمد اجمل‌خان، ص ۵.

۲. همان، ص ۱.

۳. همان، ص ۵.

آن، که گناه عظیم دانسته می‌شود، به صلح و آشتی دعوت می‌نماید:

«ای کریشنا، خود گناهی، که از کُشتن فرزندان روی می‌نماید، می‌دانم. پس چرا ترک آن ندهم؟»<sup>۱</sup>.

آرجون بر این نظر است، که دست بالاکردن به خویشاوندان و برادران لایق شأن و شرف او نیست، زیرا روزی بر اساس این عملکرد به نامش داغ خواهد رسید. از این رو، تأکید بر آن می‌دارد، که کُشتن خویشاوندان را گناه عظیم می‌شمارد و اظهار می‌دارد، که باید با هر راه و واسطه جهت پیش‌گیری از این عملکرد تمام تلاش‌های خویش را به ثمر برساند:

«ای کریشنا! از کُشتن پسران دهرترشتر کدام راحت به ما روی خواهد نمود! و ایشان هرچند بدکردارانند و سلاح برداشته، رو به روی ما شده‌اند، با وجود آن از کُشتن ایشان گنهکار می‌شوم، بنا بر این کُشتن پسران دهرترشتر مع برادران و خویشان لایق شأن من نیست»<sup>۲</sup>.

آرجون به کریشنا راجع به بدفرجامی و مضرت و خرابی‌های جنگ‌های خانوادگی اظهار نظر نموده، سزای مکافات عمل را چنین تأکید می‌نماید:

«هرگاه قومی به وادی فنا منتقل می‌شود، نکوکاری ایشان، که از عهد قدیم آمده، نیز معدوم می‌گردد. و چون نیکوکاری نماند، بدکاری در قبیله منتشر می‌گردد»<sup>۳</sup>.

جای دیگر نیز همچون جزای خداوند به دوزخ افتادن مردم جنگجوی را تأکید نموده، همزمان ذکر می‌کند، که بدفعلی جامعه باعث حرامزاده گردیدن فرزندان ایشان می‌شود، که برحق یکی از عظیم‌ترین گناهان است:

«ای کریشنا، از بدکاری قوم، زنان بدفعل خواهند شد، و از بدفعل شدن، فرزندان حرامزاده از ایشان به وجود خواهند آمد. و از پیدا شدن حرامزاده‌های کُشندگان قوم این حرامزادها به دوزخ خواهند رفت و آب و طعام به آن مردم

---

۱. بهگود گیتا ترجمه فارسی، تألیف محمد اجمل‌خان، ص ۶.

۲. همان، ص ۵.

۳. همان، ص ۶.

هیچ کس نخواهد داد و این مردم از این ممر به دوزخ خواهد افتاد. و آنان، که قوم را می‌گشند، همه راه و روش آن قوم برطرف می‌گردد». آرجون معتقد است، که جنگ و کش‌مکش‌ها ناگزیر در پیامد خود عاقبت ناخوشی به بار خواهد آورد. با خاطرسان نمودن عذاب و مشقت دوزخ همچون جزای پروردگار، او می‌خواهد مخالفان خویش را از جنگ بازدارد و مردم را هشدار دهد، که شما باید بدانید، که سزای آدمان جنگجو حتماً دوزخ است، که باید خود را از آن ایمن نگاه دارید:

«ای کریشنا، ما شنیده‌ایم، جماعتی، که نیکوکاری ایشان معدوم شد، همیشه در دوزخ باشد»<sup>۱</sup>.

آرجون وقتی عمل‌های خویش را اندیشه می‌کند، خود در حیرت می‌ماند، که چگونه به این حالت آمده رسیده است؟ او حتی در فکر کشتن خویشاوندان افتادش را برای خود «گناه بزرگ» دانسته است، که باعث تعجب و سرافکنندگی وی گردیده است: «عجب است، که ما از ممر طمع ملک و راحت قصد کشتن خویشان کرده‌ایم و قدم بر گناه بزرگ نهاده»<sup>۲</sup>.

آرجون همیشه خود را در نزد وجدان خویش و مردم گنهکار می‌شمارد و حتی با خود مکالمه دارد، که چه‌طور از کشتار مردم می‌تواند انسان راحت باشد. از این‌جاست، که باز هم این عملکرد یکی از عظیم‌ترین گناهان به‌شمار می‌رود، که سزای آن بسیار به دشواری برای انسان‌ها سپری می‌گردد. با اشارت به همین مطلب ذکر می‌کند: «ای کریشنا، من از کشتن مردم خود چه‌طور به راحت خواهم رسید؟ و کسانی، که در عقل ایشان از ممر طمع فتوری رفته، آن مردم را مع درجودها گناهی، که از کشتن خویشان و دوستان حاصل می‌شود، به نظر در نمی‌آید»<sup>۳</sup>. با شناخت و درک حقیقت این مطلب آرجون مرگ را از جنگ اولی‌تر شماریده، از

۱. بهگود گیتا ترجمه فارسی، تألیف محمد اجمل‌خان، ص ۶.

۲. همان.

۳. همان.

خونریزی پیوندان خویش دست می‌کشد و به کریشنا چنین مراجعت می‌کند:

«اکنون، که در مقام جنگ نیستیم و سلاح در دست نداریم، اگر پسران دهریترشتر مرا بکشند، به حال من خوب می‌شود»<sup>۱</sup>.

صحنه‌ای، که برای تدریس کریشنا ترتیب داده شده است، میدان جنگی است، که در آن دو ارتش در برابر هم آماده به جنگ قرار گرفته‌اند. این جا در اصل یک رمز مهم و برجسته اخلاقی نیز قرارداد، زیرا این میدان جنگ همان وجدان بشری است، که در آن نیروهای نیکی و بدی همیشه به مبارزه مشغولند. کریشنا به آرچون تعلیم می‌دهد، که معنی دقیق این مبارزه را درک کند، زیرا ریشه آن در خوی دوگانه بشری جای دارد، چه انسان از لحاظی قسمتی از جهان خلقت است و از جهتی موجودی جداگانه. وابسته به این، در این کارزار وجدان نوعی دیگر به تمام انسانیت هشدار داده می‌شود، که همیشه جنگ باعث سرافکنندگی و بدنامی بوده است و خواهد ماند، از این رو، دست‌کشیدن انسان‌ها از جنگ و ترغیب نمودن صلح و تشویق دوستی و بشردوستی بهترین راه نجات آن‌هاست.

همین‌طور، از گفتار اوّل «بهگود گیتا» برمی‌آید، که در این قسمت اثر نفوذ و برتری صلح نسبت به جنگ و خونریزی تجسم یافته. صلح و آشتی و رسیدن به یگانگی رهنمای آرچون بود. اگرچندی خود او رمز شجاعت و دلاوری و ناترسی و دلیری است، اما همچون شخص خردمند و جانبدار امانی و آسایش و اتحاد و هم‌رأیی اندیشه‌های صلح‌خواهانه خویش را به کریشنا توسط سخنان مؤثر بیان می‌دارد. در محور اندیشه‌های او این حکمت قرارداد، که جنگ و خونریزی‌ها هرگز برای انسانیت منفعتی ندارند. او کوشش به خرج می‌دهد، که اختلاف‌های خانوادگی را در راه به دست آوردن تخت و تاج شاهی بی‌زورآوری و خونریزی، بلکه با راه آسوده حل نماید. آرچون از تمام وسیله‌های موجود بوده استفاده می‌برد، تا که راه صلح را پیش گیرد و راه نجات را از خونریزی دریابد.

---

۱. بهگود گیتا ترجمه فارسی، تألیف محمد اجمل‌خان، ص ۶.

شرح و توضیح موضوع مذکور خود دلیل بر آن است، که از دوران کهن تاریخی مسئله جنگ و صلح در آثار هند باستان از جایگاه خاصه برخوردار بوده، از جمله بحث و بررسی آن در آغاز «بهگود گیتا» صورت گرفته است. در کنار این، مورد ستایش قرار گرفتن صلح و امانی دلیل بر آن است، که از قدیم الایام برای مردم هند اندیشه صلح و تحکیم ثبات و آرامش ارزش بلند اجتماعی داشت. اندیشه‌های بشردوستانه اثر آن را در شمار بزرگ‌ترین آثار ادبیات جهان وارد می‌کنند، و آن تا امروز ارزش مهم دارد. «بهگود گیتا» سرشار از پند و اندرزهای دلپذیر می‌باشد، که در کشف و پیدا نمودن راه درست در زندگی، درک ضرورت صلح و نابودی جنگ به هر فرد جامعه مدد می‌رساند. به قول تاراچند «گرچه این نغمه (بهگویت گیتا) کهن‌سال است، ولی پیامی، که با خود همراه دارد، همیشه تازه است. زیرا تا وقتی که افکار بشر از مسائل درست و نادرست مربوط به سرنوشت خود و وسایل حصول هدف‌های عالی زندگی در زحمت است، از «بهگوت گیتا» راهنمایی می‌خواهد»<sup>۱</sup>.

توجه به سیر تاریخی ادبیات فارس و تاجیک بازگوی این امر است، که اندیشه‌های پُرقیمت در این اثر گران‌ارزش قدیم هندی تجسم‌یافته در سروده‌های سخنوران فارس و تاجیک نیز جلوه‌های روشن کسب کرده‌اند. خاصه، ایجاد «شاهنامه» فردوسی یکی از نادرترین سرچشمه‌های ادبی به شمار می‌رود، که در ترغیب صلح و نکوهش جنگ اندیشه‌های فراوانی را در خود گنجایش داده است، زیرا آن را اثر بزمی و رزمی هم می‌خوانند. فردوسی همیشه تلقین افضلیت آشتی و صلح بر جنگ می‌کند و همگان را هشدار می‌دهد، که بی‌گمان آشتی از جنگ بهتر باشد:

ز جنگ آشتی، بی‌گمان، بهتر است      نگر کن، که گاوت به چرم اندر است<sup>۲</sup>

حافظ شیرازی نیز در ادامه این اندیشه‌های حکیم فردوسی اندیشه صلح را ترغیب می‌کند و اشارت بر آن می‌کند، که صلح همیشه از جنگ و داوری بالاتر قرار دارد:

۱. چند، تارا، دیباچه بهگود گیتا ترجمه فارسی، تألیف محمد اجمل‌خان، ص‌ها-واو.

۲. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، اختران ادب، ج ۴، ص ۲۰۲.



یک حرف صوفیانه بگویم، اجازت است؟ ای نور دیده، صلح به از جنگ و داوری! میرزا عبدالقادر بیدل نیز با هدایت و دستور بر حاکمان روزگار خویش تلقین می‌سازد، که نباید دست به ظلم و ستم زد، زیرا دولتی، که در آن ظلم بر دیگر عناصر کشورداری، چون عدل و داد نفوذ کسب می‌کند، بر آن به‌زودی آفت خواهد رسید:

کتر افتد، که دولت ظالم      ماند از آفت قضا سالم

علامه محمد اقبال لاهوری نیز آشتی و صلح و دوستی خلقت‌ها را با شیوه حکیمانه تفسیر نموده، اندیشه یگانگی انسانیت را تلقین می‌کند. به اندیشه او به خلقت‌ها تقسیم نمودن بشریت معنی جدایی‌اندازی را ندارد، زیرا قبل از آن که رومی و افغان و هندو و تورانی و دیگر ملت باشیم، ما نخست انسان هستیم و باید همین موقع را در مناسبت به همدیگر رعایت کنیم:

هنوز از بند آب و گل نرستی      تو گویی: رومی و افغانی‌ام من

من اول آدم بی‌رنگ بودم      از آن پس هندی و تورانی‌ام من<sup>۱</sup>

در مورد دیگر نیز همین جدایی‌اندازی‌های ظاهری را علامه اقبال مورد نکوهش قرار می‌دهد و انسانیت را هشدار می‌دهد، که ما چمن‌زاده یک شاخساریم، یعنی تمام انسانیت در روی سیاره از یک انسان زاده و پرورده شده است. از این‌رو، جدایی‌اندازی و اختلاف با سبب تفاوت‌های ظاهری و به نام ملی هرگز قابل قبول نیست و باید حقیقت این امر را درک سازیم، که ما همگان پرورش‌یافته یک نوبهاریم. بهتر آن است، که همدیگر را دوست و برادر بشناسیم و همه‌گونه جدایی‌خواهی را ترک نماییم. بی‌شک، این‌جا هم در ضمن همان نظریه صلح است، که سخنوران پیشین ما با شیوه‌های دیگر تلقین نموده‌اند:

نه افغانیم و نه ترک و تاریم      چمن‌زادیم و از یک شاخساریم

تمیز رنگ و بو بر ما حرام است      که ما پرورده یک نوبهاریم<sup>۲</sup>

---

۱. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، کلیات، ص ۲۶۷.

۲. اقبال، محمد، کلیات فارسی، ص ۲۱۳.

۳. همان، ص ۲۰۳.

راجع به عامل‌های سرزدن جنگ‌ها نیز دانشمند نامور هند شبلی نعمانی نظر خویش را بیان نموده، از جمله بر این نتیجه رسیده است، که خودخواهی و خودپرستی سبب اساسی سرزدن جنگ‌ها و خرابکاری‌ها محسوب می‌شود:

«در میان افراد انسان یا ملل و اقوام جنگ و نزاعی که دیده می‌شود، علت اصلی آن در اکثر مردم خودخواهی و خودپرستی است»<sup>۱</sup>.

جای دیگر فساد و خرابی اخلاق را نیز به عنوان یکی از چنین عامل‌های مؤثر به نظام پیشرفت جامعه شماریده، منشأ اصلی سرزدن کساد و فساد اخلاق را چنین تفسیر می‌کند:

«در سلطنت‌های شخصی ریشه تمام مفاسد و خرابی اخلاق دو چیز است: یکی استبداد و خودرایی و دیگری، عدم حریت و آزادی عقیده»<sup>۲</sup>.

از این رو، این دانشمند نامور هندی به نتیجه‌ای می‌رسد، که تنها انسان در نتیجه‌ی رهایی از خودی می‌تواند نجات پیدا نموده و جدایی‌های میان دوست و دشمن و نیک و بد را از میان بردارد. او این مطلب را چنین تأکید می‌کند، که:

«... اگر انسان از خودی و شخصیت بازباید، تفرقه بین دوست و دشمن، یگانه و بیگانه یا نیک و بد به کلی از میان می‌رود»<sup>۳</sup>.

البته، رهایی از خودی در نظر او همان دوری جستن از کبر و غرور باشد، که انسان را پابند همه‌گونه کساد اخلاقی گردانیده، زوال اخلاقی و معنوی او را سبب می‌شود.

مرور به روندهای جهان معاصر، خاصه روزگار امروز، که دایره برخوردهای مذهبی، نژادی، زبانی، جنسی و طبقاتی، کشمکش و نزاع‌ها نفوذ پیدا نموده، جامعه جهانی را خطرهای ناامنی سیاره بر اثر دامن پهن کردن افراط‌گرایی و خشونت تهدید می‌کند، تحقیق و ترغیب اندیشه‌های صلح‌جویانه، افکار بزرگ سخنوران ما در مورد خطرهای دشمنی و جنگ جایگاه مهم کسب می‌کنند. به تعبیر دیگر امروز مسئله

۱. نعمانی، شبلی، شعرالعجم/از زبان اردو ترجمه سیدمحمد تقی فخر داعی گیلانی، جلد سوم، ص ۵۷۰.

۲. نعمانی، شبلی، شعرالعجم، جلد چهارم، ص ۳۸۵.

۳. همان، جلد پنجم، ص ۵۷۰.

ناامنی جهانی از مسائل مهمّ زمان معاصر به شمار رفته، پیروان همهّ دین‌ها و مذهب‌ها به مسئلهّ عمومی پایدار نمودن صلح در جامعه توجه خاصه دارند. هریک از آن‌ها راهی را برای پیشگیری نمودن جنگ و خونریزی پیشنهاد می‌کنند، که اگرچه اصولاً با هم مشابهت دارند، لیکن با اصطلاحات مختلفی اظهار شده‌اند، که به نبوغ مخصوص و محیط معین مردم مربوط است.

وابسته به این، در این‌گونه شرایط آموختن آثار بزرگ خلق‌های گوناگون، از جمله سخنوران سرزمین هند، که درونمایه‌شان سرشار اندیشه‌های انسان‌پرورانه و صلح‌جویانه بوده، اهل بشر را به رفاقت، دوستی و برادری دعوت می‌کنند، پس دارای اهمّیت عمومی‌بشری است، زیرا این آثار گرانبایه امروز با مرور صدها ساله ارزش اخلاقی خویش را هنوز هم از دست نداده‌اند. از جمله، «بهگود گیتا» گنجینه پرارزش افکار فلسفی و پند و موعظه‌های حکیمانه، اندیشه‌های بلند اجتماعی و سیاسی بوده، در تهذیب اخلاقی جامعه، خاصه تربیت معنوی نسل جوان امروز نیز ارزش و اهمّیت سودمند دارد. در برابر این نفوذ اندیشه‌های صلح‌پرورانه و ترغیب اندیشه‌ها علیه جنگ و کُشتار در چنین آثار و در عموم ادبیات گذشته ما و تمام خلقت‌های عالم در کنار تأکید به اهمّیت مسئله در همه دور و زمان‌ها ما را وادار می‌سازد، که امروز در امر تربیت جامعه و تحکیم صلح و وحدت ملّی و عمومی‌انسانی از آن‌ها استفاده نماییم. ما باید هرچه بیشتر اندیشه‌های انسان‌پرورانه بزرگ‌ترین ادیبان دنیا و شاه‌اثرهای ادبیات جهانی را مورد آموزش عمیق و همه‌طرفه قرارداد، در این جهان پرتضاد، که انسانیت در محیط فساد معنوی بر ضد همه‌گونه زشتی در نبرد قرارداد، از اندیشه‌های اخلاقی و حکمت‌آمیز حکیمان گذشته، از جمله یکی از سرچشمه‌های کهن ادبیات قدیم هندی «مهابهارتا»، که در آن نیز نفوذ جایگاه چنین عقیده‌ها احساس می‌شود، در پایداری صلح و آسایش نه تنها در منطقه، بلکه در سراسر عالم به شایستگی به کار بگیریم. زیرا امروز مسئله تأمین صلح و ثبات یکی از معماهای سیاره به شمار می‌رود. وابسته به این تمام جامعه جهانی، خاصه پژوهشگران و سخنوران، حکیمان و دانشوران در امر رسیدن به این هدف نجیب معنوی و اخلاقی مسئولیت بلندی را در نزد تاریخ و نسل‌های آینده بر دوش دارند.

## منابع

۱. اقبال، محمد، کلیات فارسی، گیلان، ۱۳۴۳ ش.
۲. چند، تارا، دیباچه، بهگود گیتا، ترجمه فارسی، تألیف محمد اجمل خان، دهلی، ۱۹۵۹ م.
۳. حافظ شیرازی، شمس‌الدین محمد، کلیات، تهران، ۲۰۰۱ م.
۴. فردوسی، ابوالقاسم، شاهنامه، اختران ادب، ج ۴، دوشنبه: ادیب، ۲۰۰۸ م.
۵. محمد نقوی، سیدعلی، سیری در تاریخ اندیشه دینی هند، جلد اول، دهلی، ۲۰۰۸ م.
۶. نعمانی، شبلی، شعرالعجم، از زبان اردو ترجمه سیدمحمد تقی فخر داعی گیلانی، جلد سوم، چهارم و پنجم، دوشنبه: دانشگاه دولتی آموزگاری تاجیکستان، ۲۰۱۶ م.